

مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز، مقاله‌ی علمی-پژوهشی

سال پانزدهم، شماره‌ی دوم، تابستان ۱۴۰۲، پیاپی ۵۶، صص ۲۵-۵۰

DOI: 10.22099/JBA.2023.45201.4327

بررسی و تحلیل شعر کارگری در دهه‌های پس از انقلاب اسلامی

مرضیه رحیمی*

علی محمدی**

چکیده

شعر کارگری از زیرمجموعه‌های شعر متعهد است که از دوران مشروطه تا انقلاب اسلامی، در آثار برخی از شاعران رواج داشته است. از آنجاکه بعد از پیروزی انقلاب با تغییر ساختار سیاسی و اجتماعی، جامعه‌ی ایران دچار تحول و ادبیات نیز دستخوش تغییراتی شده؛ بنابراین سیر تحولات این نوع شعر در دوران پس از انقلاب با توجه به این تغییرات قابل بررسی است. به منظور انجام این پژوهش، آثار شاعران کارگری پیش از انقلاب که در طول نزدیک به سه دهه پس از انقلاب اسلامی شعر سروده بودند و همچنین مطرح‌ترین مجموعه شعرهای شاعران پس از انقلاب در قالب‌های گوناگون به روش توصیفی-تحلیلی و متکی به فرآورده‌های پژوهشی که از مطالعه در کتابخانه و فیش‌بردای به دست آمده، بررسی شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش شعر کارگری پس از انقلاب تا پایان دهه‌ی هشتاد، دچار رکود شده است و نه تنها از سوی شاعران تازه‌ی این دوره استقبال نشده، در اشعار شاعران کارگری پیش از انقلاب هم ادامه نیافته

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی سینا همدان 13marziyehrahimi7@gmail.com

** استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی سینا همدان khoshandam.ali2@gmail.com (نویسنده)

(مسئول)

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۱۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۹/۱۴

است؛ اما در دهه‌ی نود شاهد رونق نسبی شعر کارگری نسبت به سایر دهه‌های پس از انقلاب تاکنون هستیم. نکته‌ی قابل توجه در شعر کارگری دهه‌ی نود آن است که از نظر محتوا و مضمون نسبت به اشعار کارگری دوران پیش از انقلاب دچار تغییراتی شده که این تغییرات با ذکر نمونه‌هایی از شعر کارگری دهه‌ی نود و مقایسه‌ی آن با شعر کارگری پیش از انقلاب نشان داده شده است.

واژه‌های کلیدی: ادبیات پس از انقلاب اسلامی، ادبیات پیش از انقلاب اسلامی، شعر کارگری.

۱. مقدمه و بیان مسئله

توجه به زندگی و دغدغه‌های کارگران در شعر فارسی با مشروطه آغاز شد. در این دوره تحت تأثیر تفکرات سوسیالیستی و همچنین عواطف و احساسات انسان‌دوستانه‌ی شاعران، نوعی شعر با عنوان «شعر کارگری» شکل گرفت که با هدف بهبود شرایط زندگی کارگران، به مسائل و مشکلات آنان می‌پرداخت. پس از مشروطه نیز شاعرانی در مقاطع مختلف تاریخی، اشعاری با موضوع کارگران سرودند. از شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را می‌توان دوران اوج این نوع شعر دانست. حتی پس از کودتای ۱۳۳۲ تا ابتدای دهه‌ی چهل، با آنکه تعهدگرایی ادبیات را فراگرفت؛ همچنان شاعرانی به این نوع شعر که زیرمجموعه‌ی شعر متعهد است، وفادار ماندند. از دهه‌ی چهل تا پیروزی انقلاب نیز شعر کارگری بخشی از آثار را به خود اختصاص داده؛ بنابراین زندگی و مسائل کارگر، یکی از موضوعات برجسته در اشعار پیش از انقلاب بوده است.

اما از آنجاکه انعکاس زندگی طبقه‌ی کارگر در آثار شاعران مربوط به یک دوره‌ی خاص نیست، جایگاه شعر کارگری در میان دیگر آثار ادبی در سال‌های پس از انقلاب که هم ساختار سیاسی و اجتماعی کشور متحول شده و هم گفتمانی که سرودن این نوع شعر را رواج می‌داد از بین رفته، دارای اهمیت و قابل بررسی است. این پژوهش درصدد است با ردیابی شعر کارگری در دهه‌های پس از انقلاب، سیر تحول آن را بررسی و تحلیل کند و با توجه به مقدمه‌ی بیان شده، به دنبال پاسخ دادن به این پرسش‌ها هستیم:

شعر کارگری در دهه‌های پس از انقلاب، چه روندی را طی کرده است؟ کدام یک از شاعرانی که پیش از انقلاب شعر کارگری می‌سرودند، پس از انقلاب نیز به سرودن این نوع شعر ادامه دادند؟ به غیر از شاعران کارگری پیش از انقلاب، چه شاعرانی این موضوع را در آثار خود جای داده‌اند؟ این نوع شعر در چه دهه‌هایی و به چه دلایلی دچار رکود یا رونق شده است؟ شعر کارگری پس از انقلاب چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با قبل از انقلاب دارد؟ پیش‌فرض مقاله‌ی حاضر این است که با توجه به تحول ساختار سیاسی کشور پس از انقلاب، شعر کارگری نیز دچار تغییراتی شده که هم بر روند آفرینش و هم چگونگی آن اثر گذاشته است.

۱.۱. پیشینه‌ی پژوهش

تاکنون هیچ پژوهشی به شعر کارگری دوران پس از انقلاب نپرداخته است و پژوهش حاضر برای نخستین بار به این مقوله می‌پردازد. مقالات معدودی که درباره‌ی شعر کارگری نوشته شده است؛ همگی به شعر یا شاعران کارگری پیش از انقلاب پرداخته‌اند که در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت.

بصیری و همکاران (۱۳۹۷)، در مقاله‌ی «بررسی مضامین اشعار کارگری در دوره‌ی مشروطه» با ترسیم میزان اثرگذاری اندیشه‌های کارگری انقلاب روسیه در آثار شاعران کارگری دوره‌ی مشروطه، مضامین اشعار آنان را بررسی کرده‌اند.

شریف‌پور (۱۳۹۰)، در مقاله‌ی «مقایسه‌ی ادبیات کارگری در اشعار فرخی یزدی و جمیل صدقی زهابی» به مضامین اصلی ادبیات کارگری فرخی یزدی از شاعران دوره‌ی مشروطه و صدقی زهابی، شاعر عراقی، پرداخته است.

مهدی‌پور و خاکپور (۱۳۸۹)، در مقاله‌ی «سرود زندگی» محتوا و مبانی جمال‌شناختی اشعار کارگری دوران مشروطیت تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را بررسی کرده‌اند.

زاده‌حسن (۱۳۸۴)، در پایان‌نامه‌ی خود با موضوع تحلیل ادبیات منظوم کارگری از ۱۳۲۰-۱۳۳۲ ه.ش، شعر شاعرانی را که در بین سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۳۲ با رویکرد به

اندیشه‌ی چپ و توجه به وضعیت کارگران و دفاع از حقوق پایمال‌شده‌ی آن‌ها سروده شده، بررسی کرده است.

در بخش کتاب نیز پناهی سمنانی (۱۳۶۹)، شعرکار در ادب فارسی را به نگارش درآورده و در آن بازتاب کار در شعر گذشته و معاصر را تا دهه‌ی شصت بررسی کرده است. یاحقی (۱۳۷۴)، در کتاب *چون سبوی تشنه* که درباره‌ی ادبیات معاصر است، در بخش شعر عصر مشروطه با توضیحی یک صفحه‌ای درباره‌ی جناح شعر کارگری، دو تن از شاعران پرآوازه‌ی شاخه‌ی ادبیات کارگری را معرفی می‌کند: فرخی یزدی و ابوالقاسم لاهوتی.

۱.۲. روش پژوهش

به‌منظور انجام پژوهش و در جست‌وجوی شعر کارگری، ابتدا آثار پس از انقلاب شاعرانی را بررسی کرده‌ایم که پیش از انقلاب اشعار کارگری داشته‌اند. این شاعران عبارت‌اند از: احمد شاملو، نصرت رحمانی، سیاوش کسرای، رضا براهنی، فریدون توللی، هوشنگ ابتهاج و محمد خلیلی. سپس تا حد امکان مطرح‌ترین مجموعه شعرهای شاعرانی را که پس از انقلاب فعالیت ادبی خود را آغاز کرده‌اند، در قالب‌های غزل، رباعی و سپید تا پایان دهه‌ی نود بررسی کرده‌ایم. پژوهش از نوع کتابخانه‌ای است و اطلاعات آن پس از گردآوری و دسته‌بندی به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی تدوین شده است.

در این بررسی دلایل رکود شعر کارگری را در دهه‌هایی که این نوع شعر در میان آثار شاعران مشاهده نمی‌شود، تحلیل کرده‌ایم. همچنین از آنجاکه شعر کارگری در دهه‌ی نود رواج بیشتری یافته است، با ذکر نمونه از اشعاری که در این زمینه وجود دارد، به نقاط اشتراک و افتراق «شعر کارگری دهه‌ی نود» و «شعر کارگری پیش از انقلاب» بر اساس پنج مضمون اصلی شعر کارگری قبل از انقلاب که در یافته‌های پژوهشگران پیشین موجود است، پرداخته‌ایم. این مقایسه از حیث مضمون است؛ زیرا در این نوع شعر مفهوم و محتوا برای شاعر در درجه‌ی اول اهمیت قرار دارد.

۱.۳. ادبیات کارگری

پیدایش ادبیات کارگری در جهان به اواسط قرن نوزدهم برمی‌گردد. این نوع ادبی با شکل‌گیری نظام سرمایه‌داری و بر اثر مبارزات کارگران پدید آمده است؛ چون در ساختار اقتصادی جوامع مدرن، کارگران برای تداوم حیات زیستی و اجتماعی، مجبور به فروش نیروی کار خود به کارفرمایان هستند و کارفرمایان نیز برای استخدام ارزش اضافی و تداوم روند انباشت سرمایه، تمایل به کاهش دستمزد و مزایای رفاهی کارگران دارند و ناگزیر این وضعیت باعث به وجود آمدن منازعه بین کارگران و کارفرمایان می‌شود (رک. خیراللهی، ۱۳۹۸: ۹-۱۰). جنبش‌ها و مبارزاتی که در نتیجه‌ی تضاد بین طبقه‌ی کارگر و سرمایه‌دار پدیدار می‌شوند، سرچشمه‌ی ادبیات کارگری هستند.

در ادبیات کارگری، مسائل و مشکلاتی مانند فقر، بیکاری، نابرابری، استثمار و... همچنین اعتراض، اعتصاب و مبارزات کارگران، در قالب‌های شعر، داستان، رمان، سرود، نمایش‌نامه و... به نگارش درمی‌آید. این نوع ادبی در جوامعی که شکاف طبقاتی بین طبقه‌ی کارگر و سرمایه‌داری عمیق‌تر و فقر و نابرابری بیشتر است، رواج بیشتری می‌یابد و گاه حتی کارگران را برای احقاق حقوق از دست‌رفته‌شان به اعتراض و مبارزه فرامی‌خواند. در تعریفی کلی، «ادبیات کارگری یک نوع ادبی است که نویسنده و شاعر در آن به بیان وضع طبقه‌ی کارگر به‌عنوان یک طبقه‌ی اجتماعی در نظام سرمایه می‌پردازند» (سلطانی، ۱۳۸۶: ۱۱۷).

ادبیات کارگری در ایران از عصر مشروطه به این سو رواج یافته است و شعر کارگری در تاریخ ادبیات فارسی با ابوالقاسم لاهوتی آغاز می‌شود؛ بنابراین توجه به کار یا انعکاس زندگی رنجبران که در اشعار پیش از مشروطیت وجود داشته است، آن اشعار را در شمار ادبیات کارگری قرار نمی‌دهد؛ زیرا شعر کارگری شعری نیست که فقط کار یا حرفه در آن بازتاب یافته باشد یا فقط توصیفی از زندگی رنجبران ارائه دهد. «در شعر قبل از مشروطیت انعکاس زندگی مشقت‌بار و طاقت‌فرسای طبقه‌ی رنجبران را می‌بینیم؛ اما چنین اشعاری هرگز از سر اعتراض و آگاهی‌های توده‌ی زحمتکش نبوده است» (بصیری

و همکاران ۱۳۹۷: ۳). ستم مطرح شده در این اشعار، ستمی عارضی و حاصل صعوبت کار است، نه ستم اجتماعی و ناشی از رابطه‌ی کارگر و کارفرما»

۱. ۴. نگاهی به چگونگی پیدایش شعر کارگری در ایران

ظهور ادبیات کارگری در ایران به دوره‌ی مشروطه بازمی‌گردد. در این دوره با ترویج اندیشه‌های سوسیالیستی توسط ایرانیان مهاجر به روسیه و به‌ویژه ماورای قفقاز و همچنین تاحدودی تحت تأثیر انقلاب کارگری روسیه، سازمان‌هایی در این راستا ایجاد شدند؛ مانند سازمان «اجتماعیون عامیون» و نیز «حزب عدالت» که بعدها باعنوان «حزب کمونیست ایران» به فعالیتش ادامه داد. این دو که در شمار نخستین سازمان‌های سوسیال دموکرات بودند، پایه‌های اولیه‌ی گفتمان سوسیالیستی و مارکسیستی را در ایران بنیان نهادند (رک. احمدی، ۱۳۹۶: ۵۷-۵۸).

این سازمان‌ها که تلاش زیادی در جهت بهبود شرایط کارگران می‌کردند، هم نقش مهمی در جلب کارگران ایرانی به فعالیت‌های انقلابی و ترویج سوسیالیسم در بین ایشان داشتند و هم بر افکار روشن‌فکران، نویسندگان و شاعران تأثیر زیادی گذاشتند، به‌گونه‌ای که آن‌ها نیز سعی کردند در آثار خود به بیان خواسته‌های مردم به‌ویژه طبقه‌ی کارگر بپردازند. «شاعران اعم از آن‌هایی که وابسته به گروه‌های سیاسی و مکتبی بودند یا آن‌ها که متأثر از اندیشه‌های مختلف اما مستقل بودند، آثاری در این زمینه به وجود آوردند. آنچه که گویندگان برای طبقه‌ی زحمتکش طلب می‌کردند، فی‌الواقع همان چیزهایی بود که در مقاله‌نامه‌های کار پیش‌بینی‌شده و خود ملهم از اندیشه‌های دانشمندان علم اقتصاد بود» (پناهی‌سمنانی، ۱۳۶۹: ۲۹۲).

ناگفته نماند که اگرچه گرایش‌های حزبی و تفکرات سوسیالیستی در سوق دادن ذهن شاعران به این وادی سهم بسزایی داشته است؛ اما محرکات شاعران این دوره در پرداختن به مقوله‌ی کار و کارگر یکسان نبوده و همدلی و همدردی و باورهای دینی نیز عوامل

مختلفی بودند که شاعران این دوره را به سرودن اشعاری با این مضمون وامی داشتند (رک. مهدی پور و خاکپور، ۱۳۸۹: ۱۰۶)؛

بنابراین تحت‌تأثیر تبلیغات این سازمان‌ها و همچنین احساسات انسان‌دوستانه‌ی شاعران، نیازها و محرومیت‌های توده‌ی مردم و دفاع از حقوق طبقه‌ی کارگر، موضوع بخشی از اشعار دوره‌ی مشروطه قرار گرفت و در ادبیات ایران شعر و ادبیاتی باعنوان «کارگری» متولد شد. از بین شاعرانی که متأثر از اندیشه‌های کارگری در عصر مشروطه اشعاری با این موضوعات آفریدند، می‌توان ابوالقاسم لاهوتی و محمد فرخی یزدی را نام برد؛ اما توجه به زندگی کارگران در اشعار شاعرانی چون سیداشرف‌الدین گیلانی، میرزاده‌ی عشقی، عارف قزوینی، ایرج میرزا و محمدتقی بهار نیز دیده می‌شود.

۱.۵. شعر کارگری پس از عصر مشروطه تا انقلاب اسلامی ۱۳۵۷

پس از دوره‌ی مشروطه و با آغاز دیکتاتوری رضاشاه، اوضاع احزاب سیاسی دگرگون و ادبیات کارگری دچار رکود می‌شود. حکومت با تصویب قانون «مجازات مقدمین علیه امنیت و استقلال ایران» فعالیت‌های «حزب کمونیست ایران» و «فرقه‌ی جمهوری انقلابی ایران» را که هر یک در برنامه‌های خود با توجه به مبانی مارکسیستی و کمونیستی، نگاهی ویژه به تأمین حقوق کارگران داشتند، ممنوع اعلام کرد و افراد معروف به پنجاه‌وسه نفر که همگی از اعضای این احزاب بودند، در سال ۱۳۱۶ ه.ش. دستگیر شدند (رک. شمس‌لنگرودی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۲۲۱). در این دوره با ممنوعیت فعالیت احزاب و تعطیلی مطبوعات آنان، هرگونه آزادی بیان محو می‌شود و مجال رشد ادبیات به‌ویژه ادبیات کارگری از بین می‌رود.

پس از دوران بیست‌ساله‌ی حکومت رضاشاه و از سرگیری فعالیت احزاب، حزب توده تأسیس می‌شود. «حزب توده، پس از کناره‌گیری رضاشاه و آزادی زندانیان سیاسی «کم‌خطر» شکل گرفت. بیست‌وهفت نفر از اعضای جوان «پنجاه‌وسه نفر» مارکسیست زندانی شده در سال ۱۳۱۶، با گردهمایی در تهران، تشکیل یک سازمان سیاسی باعنوان

بلندپروازانه‌ی حزب توده‌ی ایران را در هفتم مهرماه، سیزده روز پس از استعفای رضاشاه، اعلام کردند» (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۳۴۶). درواقع حزب توده ادامه‌ی حزب کمونیست ایران بود؛ اما از آنجاکه نام حزب کمونیست ایران در شرایط آن روز ایران مناسب نبود، نام «حزب توده‌ی ایران» برای حزب فوق انتخاب شد (رک. به‌کوشش جمعی از پژوهش‌گران، ۱۳۸۷: ۹۴).

این دوره که حدفصل سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ را شامل می‌شود، دوران اوج ادبیات کارگری است (رک. زاده‌حسن، ۱۳۸۴: ۲). از شاعرانی که در این دوره اشعار کارگری در آثار آن‌ها وجود دارد، می‌توان به فریدون توللی، محمدعلی جواهری، منوچهر شیبانی، احمد شاملو، نیما یوشیج، اسماعیل شاهرودی، هوشنگ ابتهاج، محمدعلی افراشته و ابوتراب جلی اشاره کرد.

با وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، نوعی بدبینی نسبت به هرگونه آرمان‌گرایی‌ای که حزب توده مبلغ آن بود، در روشن‌فکران و شاعران به وجود آمد؛ درحالی‌که پیش از کودتا شاعران سعی می‌کردند شعری متعهد و آرمان‌گرایانه ارائه دهند. «تا پیش از کودتا، روشن‌فکران (به‌ویژه شاعران) زیر سیطره‌ی مستقیم و غیرمستقیم ابهت و دانش و تشکیلات حزب توده و بسیاری از رهبران دانشور آن که تعریف و تلقی ویژه‌ای از شعر داشتند، اصولاً اجازه‌ی عرض اندام به خود نمی‌داده‌اند. آنان تحت‌تأثیر تعلیمات تخطی‌ناپذیر حزب، شعر را عبارت از مقالات موزون و مقفایی می‌دانستند که فلسفه‌ی وجودی‌اش به حرکت درآوردن مردم برای تشکیل جامعه‌ی سوسیالیستی است» (شمس‌لنگرودی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۱۹)؛ اما پس از کودتا با آنکه موج تعهدگریزی ادبیات را فرامی‌گیرد، همچنان شاعرانی مانند شاملو، ابتهاج، سیاوش کسرای، نصرت رحمانی، محمود پاینده‌ی لنگرودی، محمد کلانتری، نصرت‌الله نوحیان و... به شعر متعهد وفادار می‌مانند.

از دهه‌ی چهل تا انقلاب ۱۳۵۷، همراه با افزایش مشکلات اقتصادی و موج نارضایتی‌ها و اعتراضات، شعر متعهد رواج بیشتری می‌یابد. شعر کارگری نیز که زیرمجموعه‌ی ادبیات متعهد است، بیش‌ازپیش شکوفا می‌شود. شاعرانی مانند کسرای، شاملو، شاهرودی، همچنان

به کار خود در این حیطه ادامه می‌دهند. سعید سلطان‌پور، رضا براهنی، منوچهر نیستانی و محمد خلیلی نیز موضوع کارگر را به شعر خود وارد می‌کنند.

۲. بحث و بررسی

۲.۱. شعر کارگری در دهه‌های پس از انقلاب ۱۳۵۷

رویداد مهم انقلاب ۵۷، در ادبیات نیز انقلابی ایجاد کرد. در واقع انقلاب اسلامی سرآغاز دوره‌ی تازه‌ای در شعر و ادبیات شد. از آنجاکه تغییرات تاریخی، سیاسی و اجتماعی همواره به تغییرات ادبی نیز منجر می‌شوند، با تغییر ساختار سیاسی و اجتماعی بعد از پیروزی انقلاب، جامعه‌ی ایران اوضاع اجتماعی جدیدی پیدا کرد و ادبیات نیز دستخوش تغییراتی شد. همچنین وقوع جنگ تحمیلی به فاصله‌ی کمی پس از انقلاب، به تغییرات جامعه دامن زد. انقلاب، جنگ و پیامدهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن، بسیاری از مسائل را تغییر داد. ادبیات هم که نمی‌توانست بی‌تأثیر از این‌گونه تحولات باشد، دچار تحول شد. این تحولات بر روند شعر کارگری نیز تأثیر گذاشته است که در ادامه آن را بررسی می‌کنیم.

۲.۱.۱. شعر کارگری از ۱۳۵۷ تا پایان دهه‌ی ۶۰

در مجموعه شعرهایی که در دهه‌ی شصت منتشر می‌شود، دیگر چندان خبری از کارگر و مشکلاتش نیست. از بین شاعرانی که پیش از انقلاب در آثارشان شعر کارگری وجود داشت، فقط کسراییی این مسیر را، البته خارج از ایران، ادامه داد. کسراییی از شاعران چپ‌گرای پیش از انقلاب بود که با عنوان «صریح‌ترین شاعر پرشور حزب توده‌ی ایران» (شمس‌لنگرودی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۴۱۴) معرفی می‌شد. وی در سال‌های پس از انقلاب در شعر به آرمان‌های حزب توده وفادار ماند. این شاعر در دهه‌ی شصت با انتشار مجموعه‌های *چهل کلید*، *تراشه‌های تبر*، *پیوند* و *ستارگان سپیده‌دم* پرکارترین شاعر سیاسی این دوره است. از بین ۵۷ شعر، در این ۴ مجموعه، ۱۳ شعر کارگری وجود دارد. کسراییی خود را سرسلسله‌ی شاعران شعر کارگری می‌داند و این‌گونه می‌سراید: «و من /

سرسلسله‌ی آن گویندگانم / که شعر را در مزرعه می‌رویاند / در کارخانه می‌سازند / و در کوچه‌ها می‌خوانند» (کسرای، ۱۳۹۱: ۶۱۵).

براهنی نیز که پیش از انقلاب در مجموعه شعر *ظل‌الله* اشعاری هم با مشخصه‌های شعر کارگری به نمایش گذاشته بود، در این دهه با کتاب‌های *غم‌های بزرگ ما* (۱۳۶۳)، *اسماعیل* (۱۳۶۶) و *بیا کنار پنجره* (۱۳۶۷) در عرصه‌ی شعر فعالیت دارد که در بین این سه مجموعه *اسماعیل*، منظومه‌ی بلندی است در سوگ اسماعیل شاهرودی از شاعران چپ‌گرا و کارگری که براهنی در رثای او این‌گونه می‌سراید: «ای شعرخوان جوان سی سال پیش برای کارگران! وقتی که باید از آن‌ها امضا می‌گرفتی که شعرت را می‌فهمند / که شعری هست که کارگران هم می‌فهمند.» (براهنی، ۱۳۶۶: ۱۳)

در دو مجموعه‌ی دیگر او شعر کارگری وجود ندارد. به غیر از این دو، هیچ‌یک از شاعران کارگری پیش از انقلاب مانند شاملو، توللی، رحمانی، ابتهاج و جلی در اشعار خود پس از انقلاب دیگر توجهی به کارگران و مسائل آن‌ها نکردند. برخی از آن‌ها نیز مانند شبیانی و افرشته تا پایان این دهه، مجموعه‌ای منتشر نکردند.

۲.۱.۲. دهه‌ی هفتاد و هشتاد

شعر دهه‌ی هفتاد تنوع بالایی دارد و تعداد شاعران در این دهه بسیار زیاد است. در این دهه علاوه بر آنکه برخی تحت‌تأثیر شاعران بزرگ دهه‌های پیشین مانند نیما، شاملو، فروغ و... شعر می‌سرایند، انواع و اقسام جریان‌های شعری نیز پا به عرصه‌ی ظهور می‌گذارند. از مطرح‌ترین شاعران این دهه که برخی از پیش از انقلاب هم فعال بوده‌اند، می‌توان احمدرضا احمدی، یدالله رویایی، علی باباچاهی، شمس‌لنگرودی، سیدعلی صالحی، هرمز علی‌پور، مسعود احمدی، شمس آقاجانی، محمد آرم، ابوالفضل پاشا، بهزاد زرین‌پور و... را نام برد که نه‌تنها هیچ‌یک پیرو دیدگاهی که از هنر متعهد دفاع می‌کند نیستند؛ بلکه حتی برخی سرسختانه طرفدار شعر ناب و عاری از هرگونه تعهد و ایدئولوژی‌اند. فرم و زبان بیشتر از موضوع و محتوا، در مرکز توجه این شاعران است؛ همچنین در این دهه شعر کارگری نه در آثار شاعرانی مانند سیمین بهبهانی، حسین

منزوی، محمدرضا شفیعی کدکنی، محمدعلی بهمنی، قیصر امین‌پور و... مشاهده می‌شود و نه در آثار شاعران انقلابی متعهد به آرمان‌های انقلاب اسلامی جایی دارد. در بین شاعرانی هم که پیش از انقلاب در این زمینه فعالیت داشتند، در این دهه شیبانی، کسرائی، شاملو و رحمانی یکی پس از دیگری از جهان رخت برمی‌بندند. شعر دهه‌ی هشتاد تقریباً تکرار دهه‌ی پیش یا به بیان دیگر ادامه‌ی آن است. تفاوت زیادی بین شعر این دو دهه مشاهده نمی‌شود. شاعران برجسته‌ی دهه‌ی هشتاد همان شاعران دهه‌ی پیش هستند که در این دهه کار خود را ادامه داده‌اند. همچنان در میان مجموعه‌هایی هم که در این دهه منتشر می‌شود، اثری از شعر کارگری دیده نمی‌شود. در این دهه نیز مانند دهه‌ی پیش همچنان فرم و زبان حرف اول را می‌زند.

۲.۲. برخی از مهم‌ترین دلایل رکود شعر کارگری از پیروزی انقلاب ۵۷ تا پایان

دهه‌ی هشتاد

همان‌گونه که شرح آن رفت، از پیروزی انقلاب تا پایان دهه‌ی هشتاد حضور شعر کارگری در آثار شاعران بسیار کم‌رنگ شده است. بررسی اشعار چهره‌ها و جریان‌های شاخص این سه دهه نشان می‌دهد که شعر کارگری در این دهه‌ها جایگاه خاصی ندارد؛ درحالی‌که از مشروطه تا انقلاب ۵۷ در مقاطع مختلف اشعاری به موضوع کارگر اختصاص داشته است. این نوع شعر در دوران پیش از انقلاب فقط در دوران رضاشاه دچار رکود می‌شود، آن هم به دلیل خفقان سیاسی (رک. شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷: ۴۹-۵۰)؛ اما به نظر می‌رسد در دوران پس از انقلاب، دلایل دیگری نیز موجب کاهش آثار در این زمینه شده است. در ادامه به برخی از مهم‌ترین عواملی خواهیم پرداخت که به ترتیب در دهه‌های پس از انقلاب، بر رکود شعر کارگری تأثیر داشته‌اند.

۲.۲.۱. انحلال حزب توده در ایران

شکل‌گیری و رواج شعر کارگری در دوران پیش از انقلاب، ارتباط مستقیمی با تبلیغات سازمان‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی مروج تفکرات سوسیالیستی داشته است. این

احزاب و سازمان‌ها انشعابات مختلفی دارند و فهرست کردن آن‌ها موضوع این بحث نیست؛ اما در بین آن‌ها «حزب توده» بیشترین نقش را داشته است. سبب این رواج به شکل آن حزب، انسجام و قدرت فکری و فرهنگی تئوریسین‌ها و خالی بودن میدان از رقیب‌های قدر بازمی‌گردد. چنان‌که «در طول تاریخ مارکسیسم ایرانی حزب توده‌ی ایران مهم‌ترین، متشکل‌ترین و معتبرترین سخن‌گو و نماینده‌ی این جریان سیاسی - فرهنگی محسوب می‌شده است» (به‌کوشش جمعی از پژوهش‌گران، ۱۳۸۷: ۲).

حزب توده در راستای رسیدن به اهداف خود دست به انتشار روزنامه و نشریات مختلفی می‌زد که به ترویج تفکرات مارکسیستی می‌پرداختند. حزب این روزنامه‌ها و مجلات را با هدف جذب روشن‌فکران، شاعران و نویسندگان منتشر می‌کرد تا از طریق آنان بتواند بر دیگر طبقات جامعه، به‌ویژه طبقه‌ی کارگر تأثیر گذارد. جالب است که در مسیر این هدف بسیار موفق بود؛ چون از همان ابتدا طیف وسیعی از روشن‌فکران را جذب کرد (رک. آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۲۰۴-۲۰۵).

این نشریات، شعری را می‌پسندیدند که با آرمان‌های حزب همسو باشد و شعارهای سیاسی آن‌ها را بازگو کند. طبیعتاً شاعرانی هم که در شعر، هماهنگ با خط‌مشی ایدئولوژیک آن‌ها پیش نمی‌رفتند، از جانب آن‌ها طرد می‌شدند؛ به همین دلیل بسیاری از شاعران سعی می‌کردند آثاری در راستای اهداف آنان و بر اساس اصول زیبایی‌شناسی حزب بسرایند. برخی از این شاعران با پیوستن به حزب، زندگی و شعر خود را وقف آرمان‌های آن کرده بودند. از آنجاکه یکی از آرمان‌های مهم این حزب، پرداختن به مسائل کارگران بود، شاعران را تشویق به آفریدن یا به‌معنای دقیق‌تر، تولید آثاری با محوریت «کارگران» می‌کرد؛ بنابراین بارزترین ویژگی شعر کارگری وجه ایدئولوژیک آن و یکی از مهم‌ترین عوامل رونق آن در مقاطع تاریخی پیش از انقلاب، احزاب سیاسی چپ به‌ویژه حزب توده بوده است.

پس از انقلاب موقعیت حزب توده در ایران دگرگون می‌شود. ابتدا این حزب با تدابیر رهبر جامعه اجازه‌ی فعالیت در کشور یافت؛ اما دیری نگذشت که به‌دلیل توطئه علیه

نظام، سران آن دستگیر شدند و حزب در سال ۱۳۶۲ دچار فروپاشی شد. با فروپاشی حزب توده که مبلغ اصلی شعر کارگری بود، این نوع شعر کمتر مورد توجه شاعران قرار گرفت؛ زیرا دیگر نه حمایت حزب را داشت و نه دغدغه‌ی روشن‌فکران و شاعران بود. شاعرانی که پیش از انقلاب شعر کارگری می‌سرودند، اغلب خاستگاه طبقاتی کارگری نداشتند و طبیعتاً با کم شدن تبلیغات و ازهم‌گسیختن احزاب حامی این نوع شعر، دیگر به سرودن اشعار کارگری نپرداختند. اگرچه نمی‌توان احساسات انسان‌دوستانه‌ی این شاعران را در این باب نادیده گرفت؛ اما واقعیت این است که آن‌ها بیشتر تحت تأثیر تبلیغات حزب و برای خلق آثاری باب‌پسند روز، به این جرگه پیوستند؛ درحالی‌که تجربه‌ای از زندگی کارگری نداشتند تا این مسیر را خودخواسته ادامه دهند. توجه آن‌ها به این موضوع بیشتر ناشی از هواداری احساساتی از یک نظریه‌ی سیاسی بوده تا یک اعتقاد منسجم هنری - عقیدتی (رک. میرعابدینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۳۲).

۲.۲.۲. کاهش اعتراضات و اعتصابات کارگری در دهه‌های نخستین پس از انقلاب
یکی دیگر از دلایل رکود شعر کارگری در دهه‌های نخستین پس از انقلاب کاهش اعتراضات و اعتصابات است؛ زیرا «ادبیات کارگری ملهم از جنبش‌های کارگری و اجتماعی است» (سلطانی، ۱۳۸۶: ۱۱۸).

انقلاب عدالت‌خواهانه‌ی ۵۷ با هدف رسیدگی به مستضعفان و برقراری عدالت اجتماعی شکل گرفت و از ضرورت حل مشکلات اقتصادی توده‌ها و طبقات کارگری سخن می‌گفت. با وجود این، به فاصله‌ی یک سال و نیم پس از انقلاب با آغاز جنگ تحمیلی، بحران اقتصادی تمام جامعه را تحت تأثیر قرار داد و وضعیت معیشتی نامناسبی را بر طبقه‌ی کارگر تحمیل کرد. در چنین شرایطی اعتراضاتی از سوی کارگران به وقوع پیوست؛ اما بنا به دستور رهبر انقلاب بیشتر آنان بر سر کارهای خود بازگشتند و به‌مرور زمان از اعتصابات کارگری کاسته شد. ضمن اینکه پس از افشای توطئه‌های حزب توده و فروپاشی آن، حاکمیت سعی بر زدودن اندیشه‌های مارکسیستی، گرایش‌های حزبی

مخالف و عناصر چپ به‌خصوص در محیط‌های کارگری می‌کرد که به تحریک این طبقه برای اعتصاب و اعتراض می‌پرداختند (رک. حبیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۸۳-۸۶).
بعد از پایان جنگ و در دهه‌ی هفتاد نیز با وجود آنکه هنوز شرایط اقتصادی کشور به‌دلیل تبعات جنگ به ثبات نرسیده بود و کارگران نیز کار خود را به‌دلیل رکود اقتصادی از دست داده بودند و به‌طورکلی وضعیت طبقه‌ی کارگر چندان رضایت‌بخش نبود؛ تحركات چندانی ازسوی کارگران انجام نمی‌شد.

«در طول این سال‌ها میزان نارضایتی طبقه‌ی کارگر رو به افزایش می‌گذازد؛ چراکه ازیک‌سو پایان یافتن جنگ توقعاتی را در میان مردم به وجود می‌آورد که ازجمله‌ی آن‌ها می‌توان به بهبود وضعیت معیشتی و اشتغال و رفاه اشاره داشت... ازسوی‌دیگر تورم، بیکاری، کاهش امنیت شغلی، افزایش واردات، کاهش رشد سرمایه‌گذاری، عدم‌تطبيق دستمزدها با تورم واقعی و... سبب گردید که این طبقه به‌شدت احساس ضعف و ناتوانی نماید؛ درحالی‌که انتظار کارگران بهبود شرایط اقتصادی و معیشتی، رفاه، بهداشت و درمان مناسب، مسکن متناسب با نیاز و مواردی از این دست بود. مشارکت سیاسی کارگران در طول این سال‌ها تبدیل به یک موضوع دست‌چندم می‌شود؛ چراکه طبقه‌ی کارگر عمده تلاش خود را صرف تأمین حداقل‌های زندگی می‌نماید» (حبیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۹۹-۱۰۰)

بنابراین با این روند در دهه‌ی هفتاد و همچنین تا نیمه‌ی دهه‌ی هشتاد نیز تحركات چندانی ازسوی کارگران انجام نمی‌شود؛ درنتیجه با کاهش اعتراضات و اعتصابات کارگری، شعری که بازتاب این مسائل باشد نیز دچار رکود شد.

۲.۲.۳. استیلای جریان شعر متعهد انقلاب اسلامی

با تغییر ساختار سیاسی کشور و پیرو تحولاتی که در ادبیات ایجاد می‌شود، در تعریف تعهد در ادبیات نیز تحولی رخ می‌دهد و شعر متعهد مشخصه‌هایی متمایز از دوره‌ی قبل می‌یابد. درواقع «جریان شعر متعهد اسلامی» جایگزین جریان شعر متعهد پیش از انقلاب می‌شود که از ایدئولوژی حزب توده سرچشمه گرفته بود. شعر متعهد پس از انقلاب بیش از آنکه در قبال جامعه و مشکلات و مسائل آن متعهد باشد، در قبال ارزش‌های مذهبی

و اسلامی متعهد می‌شود. درحقیقت شرایط شعارمدار و ملت‌پس‌جامعه در سال‌های نخستین پس از انقلاب باعث شد که تمرکز ادبیات بر گسترش ایدئولوژی انقلاب اسلامی قرار گیرد. به عبارت دیگر گفتمان ایدئولوژیک و مکتبی پس از انقلاب، سایر گفتمان‌ها نظیر لیبرال-دموکرات، مارکسیست، روشن‌فکری دینی و... در اوایل دهه‌ی شصت را کنار زد و به‌عنوان تنها صدای باقی‌مانده ادبیات را در جهت تعهد به گفتمان انقلاب اسلامی هدایت کرد (رک. ضیایی و صفایی، ۱۳۸۹: ۱۵۴)؛ در نتیجه با حمایت همه‌جانبه از شعری که در اشاعه‌ی گفتمان انقلاب اسلامی حرکت می‌کند، شاعران متعهد دیگری پا به عرصه نهادند که این بار نه به توده و مردم فرودست، بلکه به مفاهیم اسلامی و انقلابی متعهد بودند؛ بنابراین یکی دیگر از دلایل رکود شعر کارگری در دهه‌های نخستین پس از انقلاب این است که شعر کارگری زیرمجموعه‌ی ادبیات متعهد دوران پیش از انقلاب بود که خود را در قبال مسائل و مشکلات توده‌ی مردم به‌ویژه کارگران و اقشار فرودست جامعه مسئول می‌دانست؛ درحالی‌که شعر متعهد پس از انقلاب تنها در قبال مسائل مذهبی و انقلاب اسلامی متعهد بود.

«انقلاب ۱۳۵۷، حکومتی مذهبی را جایگزین یک حکومت دیکتاتوری غیردینی کرد. طرفداران گفتمان جدید بی‌درنگ به مقابله با فعالیت‌های مارکسیستی و چپ‌گرایانه که در وضعیت انقلابی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ رشد کرده بودند، پرداختند و مجامع ادبی را هم هدف گرفتند. در غیاب رهبری ادبیات متعهد، دیگر گفتمان‌های ادبی و سیاسی، مانند ادبیات اسلامی به عرصه آمد. در این دوره نویسندگان و شاعرانی به میدان آمدند که داستان‌ها و اشعارشان یکسره از وقایع جنبش‌های اسلامی، سیاست‌های اسلامی، سیاست‌های اسلامی معاصر و مفاهیم مذهبی الهام می‌گرفت» (تلفظ، ۱۳۹۳: ۲۰).

۲.۲.۴. رشد گرایش‌های آرمان‌گريزانه و جريان‌های شعری فرم‌گرا

یکی دیگر از عواملی که باعث رکود شعر کارگری شد، توجه به فرم است که از دهه‌ی هفتاد به بعد بروز کرد. شاعران از دهه‌ی هفتاد با کناره‌گیری از تعهدات سیاسی، اجتماعی، دینی و... توجه‌شان را بیشتر معطوف به فرم کردند. در این دوره با گسترش رویکردهای

فرمالیستی، انواع و اقسام جریان‌های ادبی رواج یافتند که از هرگونه تعهد اجتماعی می‌گریختند. این جریان‌ها واکنش به ادبیاتی بودند که در دهه‌های قبل تمام توجه خود را معطوف به معنا و تعهد اجتماعی کرده بود و چندان توجهی به فرم نداشت (رک. ضیایی و صفایی، ۱۳۸۹: ۱۶۷).

توجه به شعریت شعر و گسترش گرایش‌های آرمان‌گريزانه سبب شد که در دو دهه‌ی هفتاد و هشتاد در میان هزاران کتاب چاپ‌شده، هیچ مجموعه شعری در حوزه‌ی ادبیات کارگری پدیدار نشود. در این دو دهه «آرمان‌گرایی» جای خود را به «آرمان‌گریزی» می‌دهد.

«در شعر دهه‌ی هفتاد و... با نوعی آرمان‌گریزی در شعر و ادبیات مواجهیم. به نظر می‌رسد که آرمان‌گرایی از نوع دیروز دیگر چندان موضوعیتی نداشته باشد. ساختار سیاسی جهان و مؤلفه‌های حاکم بر آن دچار تغییرات محسوس شده است. جامعه‌ی ما نیز در این بیست و چند سال، رویدادها و مسائل مختلفی را از سر گذرانده است... البته در این میان رسانه‌های فرارتاباتی بی‌تقصیر نبوده‌اند... ازطرفی کعبه‌ی آمال چپ‌اندیشی از نوع استالینی‌اش هم موضوعیت خود را از دست داده است» (باباچاهی، ۱۳۸۶: ۱۲۳).

زندگی و مسائل کارگران از آرمان‌های ادبیات متعهد پیش از انقلاب بود؛ درحالی‌که شعر دهه‌های هفتاد و هشتاد از هرگونه ایدئولوژی برای ایجاد محتوایی سفارشی‌گريزان شده بود و بیشتر به فرم و زبان می‌اندیشید؛ در نتیجه در این دوره به جای شعرهای سیاسی و متعهد، جریان شعر آوانگارد، جریان شعر زبان، شعر پست مدرن، شعر حرکت، شعر دیگر، شعر گفتار و... به وجود می‌آید.

۲.۳. شعر کارگری در دهه‌ی نود

از سال‌های آغازین دهه‌ی نود، همچنان که جریان‌های شعری دهه‌های پیشین به کار خود ادامه می‌دهند، بار دیگر دغدغه‌های کارگران مورد توجه شاعران قرار گرفت. یکی از مهم‌ترین دلایل در این رویکرد و توجه، وضعیت واقعی کارگران در این دهه است. در

این دوره از یک سو بحران‌های اقتصادی، تورم و گرانی و از سوی دیگر درآمد پایین و بیکاری، کارگران را سال به سال بیشتر مورد فشار قرار می‌دهد، تاجایی که جمعیت قابل توجه کارگری، دچار فقر شدیدی می‌شود. طبق گفته‌ی رحمت‌الله پورموسی، دبیرکل کانون عالی شوراهای اسلامی کار، در این دوره هفتاد درصد کارگران ایرانی عملاً در فقر به سر می‌برند (رک. خیراللهی، ۱۳۹۸: ۲۲۰).

افزون بر پایین بودن دستمزدها و تورم سرسام‌آور این دهه که کارگران را در تأمین نیازهای اساسی زندگی با مشکل جدی مواجه کرد، کاهش امنیت شغلی، به‌ویژه همگام با رشد قراردادهای موقت کار و مواردی از این دست به نارضایتی انبوه کارگران بیکار و فقیر دامن زده و به تحرکاتی از سوی آنان منجر شد. این نارضایتی‌ها بر تعداد اعتصابات در این دهه تأثیر نهاد و شمار اعتراضات کارگری به‌نحوی سابقه‌ای رو به افزایش گذاشت؛ اعتصابات و اعتراضات کارگری مانند اعتصاب کارگران عسلویه، کارگران نیشکر هفت‌تپه، کارگران شهرداری بندرعباس، کارگران معدن فاریاب و... که همگی نتیجه‌ی بحران‌های اقتصادی بوده‌اند. وضعیت کارگران و افزایش تحرکات و جنبش‌های کارگری در این دهه باعث شد که پرداختن به مسائل کارگری در آثار شاعران بازتاب پیدا کند؛ زیرا همان‌گونه که پیش از این گفته شد، ادبیات کارگری ملهم از جنبش‌های کارگری و اجتماعی است. شاعران دغدغه‌مند در این دهه دردهای این طبقه را نادیده نگرفتند و بدون سفارش هیچ حزب و مسلکی، به‌صورت خودخواسته به مسائل و مشکلات کارگران پرداختند. آن‌ها در اشعار خود روایتگر زندگی کارگران و خشم آنان نسبت به تبعیض‌ها و فاصله‌های طبقاتی شدند. بین دهه‌های پس از انقلاب، بیشترین شعر کارگری و توجه به کارگر را در آثار منتشرشده در این دهه می‌توان ملاحظه کرد. نکته‌ی جالب‌توجه این است که در این دهه، برای اولین بار مجموعه‌هایی منتشر شده است که فقط و فقط به موضوع کارگر پرداخته‌اند.

مطرح‌ترین مجموعه شعرهای کارگری در این دهه عبارت‌اند از: می‌ترسم بعد از مرگ هم کارگر باشم (۱۳۹۲) از سبیرهاکا، مجموعه رباعی گاو صندوق بر پشت مورچه‌ی

کارگر (۱۳۹۴) از جلیل صفربیگی، من کارگرانم (۱۳۹۶) و من کتِ کتک خورده/م (۱۳۹۹) از فخرالدین احمدی سوادکوهی و کارگران مشغول بیکاری‌اند (۱۳۹۶) از شهرام پارسامطلق. همچنین به‌طور پراکنده اشعاری با موضوع کارگر در آثار شاعرانی همچون سعید بیابانکی در مجموعه‌ی سنگچین (۱۳۹۵)، علیرضا نوری در مجموعه‌ی زوال (۱۳۹۶) و... وجود دارد. محمد خلیلی نیز که از شاعران وابسته به حزب توده بود و از سال‌های واپسین پیش از انقلاب ۵۷ به عرصه‌ی شعر کارگری وارد می‌شود، با آنکه در دهه‌ی هفتاد نیز مجموعه‌هایی را به انتشار رسانده بود، در این دهه به موضوع کارگر توجه بیشتری نشان می‌دهد. لازم است ذکر شود که بخشی از اشعار کارگری این دوره به‌صورت کتاب منتشر نشده و در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی است که پرداختن به آن‌ها مجال دیگری را می‌خواهد.

۳. مقایسه‌ی مضامین شعر کارگری دهه‌ی نود با شعر کارگری پیش از انقلاب

شعر کارگری منعکس‌کننده‌ی هستی فردی و اجتماعی کارگران است؛ اما این شعر مانند هر نوع شعر دیگری با توجه به شرایط جامعه در هر دوره، ویژگی‌های خاص خود را پیدا می‌کند و مضامین آن تابع شرایط اجتماعی، سیاسی، تاریخی و حتی اقتصادی است. با توجه به تغییر بستر اجتماعی شعر بعد از انقلاب، مضامین شعر کارگری با وجود مشابهت‌هایی که با دوران پیش از انقلاب دارد، دستخوش تغییراتی نیز شده است. مضامین اشعار کارگری پیش از انقلاب را با توجه آثار و پژوهش‌هایی که در این زمینه وجود دارد، می‌توان در پنج عنوان کلی دسته‌بندی کرد که در اینجا آن‌ها را در شعر کارگری دهه‌ی نود بررسی می‌کنیم:

۳.۱. انتقاد

از ابتدا شعر کارگری بر پایه‌ی انتقاد شکل گرفته و تا امروز نیز به روند انتقادی‌اش ادامه داده است. برای شاعران کارگری، شعر ابزار بیان انتقادها است؛ انتقاد از تبعیض،

نابرابری‌ها و شکاف عمیق طبقاتی در جامعه. مهم‌ترین هدف انتقاد در این شعر کمک به بهبود زندگی کارگران است. انتقاد از نابرابری‌ها در شعر کارگری، هم به وسیله‌ی کارگرانی که شاعرند و هم شاعرانی که غم این طبقه را دارند، به هر شکلی بیان می‌شود:

مانند همیشه چشم‌هایم به در است بر سفره‌ی ما جگر نه، خون جگر است
ته مانده‌ی سفره شما را آورد آری پدرم مورچه‌ی کارگر است

(صفریگی، ۱۳۹۴: ۲)

در دنیای نابرابر سرمایه‌داری، کارگران همچون نردبانی برای بالا رفتن سرمایه‌داران شده‌اند؛ درحالی‌که خود از وضعیت مشقت‌بارشان پله‌ای فراتر نمی‌روند: «می‌سازی / می‌آرای / سراسر دنیاها را... / می‌مانی / به کومه‌های تاریک / و نان خالی و / نواله‌ی پوک» (خلیلی، ۱۳۹۸: ۶۰)

در اشعار این شاعران، انتقاد از این موضوع نیز وجود دارد که کودکان بسیاری در این طبقه از اجتماع باوجود تلاش‌های والدینشان، از دوران کودکی با سختی‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کنند: در کودکی فکرم هزار راه می‌رفت و برنمی‌گشت / تا از یک جای فکرم سردرمی‌آوردم / اینکه انسان چگونه می‌تواند / فرار کند / از خودش / از جهنم زندگی / از میراث سخت پدری / از کارگری و بردگی / از همان کودکی دستم به سیمان بود / سرم خالی از رؤیاهای کودکانه شده بود / رنج را در کودکی هم می‌توان فهمید / کافی‌ست بچه‌ی یک کارگر باشی (احمدی، ۱۳۹۹: ۱۲-۱۳).

۲.۳. اعتراض

یکی دیگر از بن‌مایه‌های اصلی شعر کارگری از گذشته تا به امروز، «اعتراض» است که با هدف رساندن صدای کارگران به گوش جامعه، دولت، سرمایه‌داران و کارفرمایان مطرح می‌شود. اعتراض و تفکر اعتراضی در عمق همه‌ی اشعاری که برچسب کارگری دارند، وجود دارد. از مهم‌ترین اعتراضات در شعر کارگری می‌توان اعتراض به سرمایه‌داری، شرایط دشوار کار، ساعات طولانی کار، دستمزد پایین، اخراج کارگران، سیاست‌های

دولت و... را نام برد؛ برای نمونه اعتراض به سرمایه‌داری، در رأس تمام اعتراض‌ها در شعر کارگری است؛ چون با به‌روزشدن جوامع، رشد سرمایه‌داری و افزایش ماشین‌آلات صنعتی، هر روز کارگران بیشتری بیکار می‌شوند و همین امر یکی از عوامل مهم اعتراض آن‌ها شده و در اشعار مختلفی بازتاب پیدا کرده است:

ماشین‌ها هیچ احساسی ندارند / خسته نمی‌شوند / شب کمرشان درد نمی‌گیرد / به فکر اجاره‌ی ماه بعد نیستند / از همه مهم‌تر / آخر هفته از صاحب‌کارشان مساعده نمی‌خواهند / درست مثل / ماشینی که دیروز / جای پدرم را در کارخانه گرفت! (هاکا، ۱۳۹۲: ۲۱)

سعید بیابانکی در غزلی باعنوان «ذوب آهن» اخراج دسته‌جمعی کارگران را این‌گونه توصیف می‌کند:

ناگهان کارخانه سوت کشید / طرحی از یک غروب محزون ریخت
کارگرهای نامی‌دش را / مثل مشت‌ی تفاله بیرون ریخت...

(بیابانکی، ۱۳۹۵: ۱۵-۱۶)

پارسامطلق نیز در مجموعه‌ی کارگران مشغول بیکاری‌اند، وضعیت بیکاری کارگران را هوشمندانه به نمایش می‌گذارد. در هیچ‌یک از شعرهای کوتاه این کتاب، اثری از کار و محل کار وجود ندارد؛ زیرا اصلاً کاری وجود ندارد و کارگران بسیاری در «اردوگاه‌های بیکاری اجباری» که نام دفتر سوم این مجموعه است، به سر می‌برند. جمله‌ی «کارگران مشغول بی‌کاری‌اند» برگرفته از شعر کوتاهی‌ست از همین مجموعه که با تعریض، کارگران را مشغول معرفی می‌کند؛ اما نه مشغول کار که اساس زندگی آن‌هاست؛ بلکه مشغول بی‌کاری (رک. پارسامطلق، ۱۳۹۶: ۱۶).

۳.۳. دعوت به تشکیل اتحادیه و توصیه به اعتصاب

یکی از مضامین مهم شعر کارگری پیش از انقلاب دعوت به اتحاد و توصیه به اعتصاب بوده است. شعر کارگری همیشه بستری برای بیان خواسته‌های این طبقه بوده و به اقتضای هر دوره، در کنار شرح مشقات کارگران اهدافی را درجهت بهبود شرایط آنان دنبال

می‌کرده است. در این شعر همواره بر اتحاد و لزوم تشکیل صنف و اتحادیه تأکید شده است (رک. بصیری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۲).

مهم‌ترین هدف از توصیه به تشکیل اتحادیه‌های کارگری در این اشعار، افزون بر دفاع از حقوق کارگران، تحریک آنان به اعتصاب بوده است؛ زیرا «یکی از اهرم‌های مهم و تأثیرگذار طبقه‌ی کارگر که تأثیر مهمی بر بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارد، قدرت اعتصاب است» (عیوضی و رضانی، ۱۳۹۵: ۹۵).

طبیعتاً این اعتصابات و مبارزات پس از به‌وقوع‌پیوستن نیز بازتاب گسترده‌ای در دیگر اشعار کارگری می‌یافت؛ اما در دهه‌ی نود با وجود آنکه اعتصابات کارگری نسبت به دو دهه‌ی قبل افزایش یافته و موجب جلب توجه شاعران به این طبقه شده است؛ اما در شعر کارگری این دهه دعوت به اعتصاب مشاهده نمی‌شود.

۳.۴. دعوت به قیام و مبارزه با عوامل ظلم

یکی دیگر از مضامین مهم شعر کارگری پیش از انقلاب، دعوت به مبارزه و قیام علیه عوامل ظلم و نابرابری بوده است. شاعران در این اشعار، کارگران را برای مبارزه با عوامل ظلم تحریک می‌کردند. شعر کارگری دوران پیش از انقلاب، در راه رسیدن به عدالت و بهبود شرایط کارگران، به سلاح مبارزات طبقاتی تبدیل شده بود، تا جایی که رسیدن به این اهداف در دهه‌ی پنجاه تنها در سایه‌ی یک تحول بزرگ میسر می‌شد: انقلاب برای براندازی و تغییر حکومت. بهتر شدن شرایط آن دوره از نظر شاعران کارگری، همچون خود کارگران و سایر اقشار مردم با انقلاب و تغییر حکومت میسر می‌شد؛ حتی برخی از شاعران همگام با انقلابیون سلاح به دست می‌گرفتند (رک. مهدی‌پور و خاکپور، ۱۳۸۹: ۱۱۲).

شرایط تاریخی آن دوران به گونه‌ای بود که همگی ضد حکومت حرکت می‌کردند و کارگران نیز از این قاعده مستثنی نبودند. سرانجام اعتراضات و جنبش‌های همه‌ی گروه‌ها با هم پیوند خورد و همه در یک سنگر در مقابله با رژیم پهلوی مبارزه کردند و انقلاب

۵۷ را رقم زدند؛ انقلابی که نقش جنبش کارگری در به ثمر رسیدن آن غیرقابل انکار است. اما شعر کارگری دهه‌ی نود نه فراخوان قیام است و نه دعوت به مبارزه، شاید چون «شعر امروز بر محوریت گفتمان می‌چرخد؛ به پارلمانی بودن کارکردهای سیاسی گرایش دارد و به اعتراض‌های خاموش و متمدنانه روی آورده است» (باباچاهی، ۱۳۸۶: ۱۲۳). در اشعار کارگری این دهه اغلب تصویر کارگرانی را می‌بینیم که فقط در تکاپوی رفع نیازهای اولیه‌ی زندگی خود هستند:

مدتی است / پلیس دنبالم می‌گردد / بی‌آنکه / کسی را کشته / یا مقاله‌ای علیه دولت نوشته باشم / ... / چه غم‌انگیز است برای ملتی / که دولتش از کارگر بودنم می‌ترسد / چه برسد به اینکه / انقلابی / شورشی / یا چیز دیگری باشم... (هاکا، ۱۳۹۲: ۶۲-۶۳)

۳.۵. امید به رهایی از ستم

امید، وعده‌ی نجات‌بخشی و نوید پیروزی از مهم‌ترین ویژگی‌های مضامین شعر کارگری پیش از انقلاب هستند. احزاب و روشن‌فکران مروج تفکرات سوسیالیستی با الگوپذیری از انقلاب بلشویکی روسیه، شاعران وابسته به حزب را ترغیب و تشویق به سرودن اشعاری امیدوارانه و انقلابی می‌کردند (رک. شمس‌لنگرودی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۲۴)

شعر کارگری پیش از انقلاب در دوره‌های اوج خود با تلاش در جهت تحقق آرمان‌های عدالت‌خواهانه‌ی حزب، همچون دیگر اشعار متعهد سعی بر آن داشت که امید به رهایی از ستم را در بین توده‌ی مردم گسترش دهد؛ اما در شعر کارگری پس از انقلاب، ناامیدی فراگیری وجود دارد.

در این اشعار هیچ امیدی برای دستیابی به زندگی بهتر مشاهده نمی‌شود. عنوان کتاب سایبر هاکا، «می‌ترسم بعد از مرگ هم کارگر باشم»، بیانگر زندگی سراسر سختی این طبقه است. نمونه‌های فراوان این ناامیدی در اشعار کارگری این دهه مشهود است:

یک عمر پس‌انداز پدر تردید است / چیزی که نیندوخته‌ایم امید است

سندوقچه‌ی جواهرات مادر جفتی صدف پر آب مروارید است
(صفریگی، ۱۳۹۴: ۵)

ناامیدی از بهبود شرایط تا جایی در روح و جان این طبقه رخنه کرده است که حتی
مناسبت‌هایی همچون روز جهانی کارگر را بی‌فایده انگاشته و تمام بیانیه‌ها و
گرامی‌داشت‌های این‌چنینی را دروغین می‌پندارند:

«کارگران نه روزی دارند/ نه جهانی/ بی‌جهانی‌مان را جشن می‌گیرند/ درست روز
جهانی کارگر/ بلندگوهای زیادی/ دروغ‌های زیادتری استفراغ می‌کنند/ سالی یک‌بار/
شانه‌های ما را بالا می‌روند/ برای چسباندن پلاکارد «روز جهانی کارگر»/ بر پیشانی بلند
کارخانه‌هایی که عمری/ نان‌مان را/ آجر پخت» (احمدی، ۱۳۹۹: ۲۱)

۴. نتیجه‌گیری

به‌منظور انجام پژوهش آثار شاعرانی که پیش از انقلاب شعر کارگری داشتند و در طول
نزدیک به سه‌دهه پس از انقلاب اسلامی، شعر سروده بودند و همچنین مطرح‌ترین
مجموعه شعرهای شاعران پس از انقلاب در قالب‌های گوناگون بررسی شده است. طبق
بررسی‌های انجام‌شده، شعر کارگری پس از پیروزی انقلاب تا پایان دهه‌ی هشتاد دچار
رکود شده است و این درحالی‌ست که بخشی از اشعار شاعران پیش از انقلاب به موضوع
کارگر اختصاص داشته است.

برخی از مهم‌ترین دلایل رکود شعر کارگری در دهه‌های پس از انقلاب عبارت‌اند از:
انحلال حزب توده در ایران به‌عنوان مروج و حامی شعر کارگری، کاهش اعتصابات
کارگری در دهه‌های نخستین پس از انقلاب، استیلای جریان‌های شعری متعهد اسلامی
و سپس فرم‌گرا و آرمان‌گرایز.

بر اساس یافته‌های پژوهش در دهه‌ی نود شاهد رونق نسبی شعر کارگری نسبت به
سایر دهه‌های پس از انقلاب هستیم؛ اما با توجه به تغییر بستر اجتماعی شعر پس از
انقلاب، مضامین شعر کارگری نیز با وجود مشابهت‌هایی که با دوران پیش از انقلاب

دارد، دستخوش تغییراتی شده است. انتقاد و اعتراض که از مضامین اصلی شعر کارگری پیش از انقلاب است، در شعر کارگری دهه‌ی نود نیز نقش مهمی را ایفا می‌کند؛ اما در این شعر همچون گذشته دعوت به تشکیل اتحادیه‌ی کارگری و اعتصاب و همچنین دعوت به قیام و مبارزه‌ی مسلحانه وجود ندارد. تفاوت دیگر اینکه هرچه شعر کارگری پیش از انقلاب با ترویج امید نوید آینده‌ی بهتر را می‌داد؛ شعر کارگری پس از انقلاب، بسیار ناامیدانه است و امیدی به بهبود شرایط ندارد.

منابع

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۷۷). *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه‌ی احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی و لیلایی، تهران: نی.
- _____ (۱۳۸۹). *تاریخ ایران مدرن*. ترجمه‌ی محمدابراهیم فتاحی و لیلایی، تهران: نی.
- احمدی، محمدعلی. (۱۳۹۶). *گفتمان چپ در ایران*. تهران: ققنوس.
- احمدی سوادکوهی، فخرالدین. (۱۳۹۶). *من کارگرانم*. تهران: خارا.
- _____ (۱۳۹۹). *من کت کتک خورده‌ام*. تهران: برتر.
- باباچاهی، علی. (۱۳۸۶). *شعر امروز، زن امروز*. تهران: ویستار.
- براهنی، رضا (۱۳۶۶). *اسماعیل*. تهران: مرغ آمین.
- بصیری، محمدصادق و همکاران. (۱۳۹۷). «بررسی مضامین اشعار کارگری در دوره‌ی مشروطه». *ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان*، سال ۱۰، شماره‌ی ۱۹، صص ۲-۲۵.
- به‌کوشش جمعی از پژوهش‌گران مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های سیاسی. (۱۳۸۷). *حزب توده از شکل‌گیری تا فروپاشی*. تهران: مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- بیابانکی، سعید. (۱۳۹۲). *سنگچین*. تهران: سوره‌ی مهر.

- پارسامطلق، شهرام. (۱۳۹۶). کارگران مشغول بیکاری‌اند. تهران: مروارید.
- پناهی سمنانی، محمد. (۱۳۶۹). شعر کار در ادب فارسی. تهران: تابش.
- تلطف، کامران. (۱۳۹۳). سیاست نوشتار (پژوهشی در شعر و داستان معاصر). ترجمه‌ی مهرک کمالی، تهران: نامک.
- حبیب‌زاده، افشین. (۱۳۸۷). مشارکت سیاسی طبقه‌ی کارگر در ایران. تهران: کویر.
- خلیلی، محمد. (۱۳۹۸). افروزه‌ها. تهران: گل آذین.
- خیراللهی، علیرضا. (۱۳۹۸). کارگران بی طبقه. تهران: آگاه.
- زاده‌حسن، نسرين. (۱۳۸۴). تحلیل ادبیات منظوم کارگری از ۱۳۲۰-۱۳۳۲ ه.ش. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه پیام‌نور اصفهان.
- سلطانی، فرامرز. (۱۳۸۶). ادبیات کارگری ایران در قرن معاصر. تهران: اکنون.
- شریف‌پور، عنایت‌الله؛ باقری، محمدحسن. (۱۳۹۰). «مقایسه‌ی ادبیات کارگری در اشعار فرخی یزدی و جمیل صدقی زهاوی». لسان مبین (پژوهش ادب عربی)، سال ۲، شماره‌ی ۴، صص ۶۰-۸۳.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۷). ادوار شعر فارسی. تهران: سخن.
- شمس‌لنگرودی، محمد. (۱۳۸۴). تاریخ تحلیلی شعر نو. ج ۱ و ۲. تهران: مرکز.
- صفربیگی، جلیل. (۱۳۹۴). گاو صندوق بر پشت مورچه‌ی کارگر. تهران: سپیده باوران.
- ضیایی، حسام؛ صفایی‌سنگری، علی. (۱۳۸۹). «بررسی جامعه‌شناختی گفتمان‌های شعری دهه‌ی دوم پس از انقلاب اسلامی». مطالعات ملی، سال ۱۱، شماره‌ی ۴، صص ۱۵۳-۱۷۶.
- عیوضی، محمدرحیم؛ رضانی، ملیحه. (۱۳۹۵). نقش کارگران در پیروزی انقلاب اسلامی ایران. انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی. نسخه‌ی الکترونیکی در اپلیکیشن طاقچه.
- کسرای، سیاوش. (۱۳۹۱). مجموعه اشعار. تهران: نگاه.
- مهدی‌پور، محمد؛ خاکپور، محمد. (۱۳۸۹). «سرود زندگی» (تأملی در محتوا و مبانی جمال‌شناختی ادبیات کارگری). نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، سال ۵۳، شماره‌ی ۲۱۵، صص ۱۰۱-۱۳۲.

میرعابدینی، حسن. (۱۳۸۶). *صدسال داستان‌نویسی ایران*. ج ۱ و ۲. تهران: چشمه.
هاکا، ساییر. (۱۳۹۲). *می‌ترسم بعد از مرگ هم کارگر باشم*. تهران: نیماژ.
یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۷۵). *چون سبوی تشنه (تاریخ ادبیات معاصر فارسی)*. تهران:
جامی.

